



یادداشت‌های داروخانه

دکتر فریدون سیامک‌نژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و رویه‌رو می‌شویم که هر کدامش می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفته‌گر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌کنیم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌کنیم، بستگی به نوع کاری که داریم، همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مساله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها، و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیزی‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کارکردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن، و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتم تا مسایل بوجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنم. مطالبی که در بی‌می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتاد و چه در نظر آید.

• یادداشت ۱ •

روی کاغذ نوشته بود: ترامadol.
خوشبختانه بهدلیل مشکلاتی که این دارو
داردهیج وقت در داروخانه ترامadol نداشته و ترجیح
داده ایم که در این مورد به مریض (اگر وفاً متضاخي
مریض باشد) بگوییم: نداریم!

• یادداشت ۳ •

امروز بسیاری از داروهای تولید داخل برای
خودشان نام تجاری دارند که در اصطلاح به آن
«برند ژنریک» می‌گویند.

کارخانه داروسازی حکیم، داروهایی را که تولید
می‌کند، عمدها با نام «برند ژنریک» است. یکی از
این نامها «گاباکیم» است. گاباکیم نام برنده کارخانه
داروسازی حکیم برای کپسول گاباپتین است.

مریضی به داروخانه مراجعه کرد و پرسید:
آقای دکتر، کپسول گاباکیم تولید دارو می‌خواهم.
متوجه اشتباہش شدم و کلی مسأله نام «برند» و
مسأله «برند ژنریک» را برایش توضیح دادم.

اگرچه مریض قبول کرد و قانع شد ولی
چون «گاباکیم» نداشتیم و گاباپتین موجود در
داروخانه تولید کارخانه دیگری بود، مریض دست
حالی داروخانه را ترک کرد.

• یادداشت ۴ •

معمولاً بیماران هر دارویی را اولین بار از هر
کارخانه‌ای تهیه کنند، برای ادامه درمان معمولاً
قوطی دارو را به داروخانه می‌آورند و تقاضای همان
دارو را می‌کنند. البته، ادامه درمان و داروهایی که
باید همیشگی مصرف شوند، در مواردی بهتر است

در مقابل پیش‌خوان داروخانه که قرار گرفت، رو
به تکنیسین داروخانه کرد و درخواست الكل سفید
نمود. تکنیسین هم به طرف قفسه مربوطه رفت و
یک شیشه محلول اماکول (رایینگ الكل) را جلوی
متضاخي گذاشت.

مراجعةه کننده سؤال کرد که چون این محلول
رنگی است، روی دستگاهی که می‌خواهد با الكل
تمیز کند، اثر می‌گذارد.

تکنیسین به اندازه کافی توضیح داد که این رنگ
اولاً روی چیزی اثر نمی‌گذارد، در ثانی به این الكل
مقداری رنگ زده اند تا فقط برای مصارف خارجی
قابل استفاده شود و کسی آن را نخورد.

هرچه تکنیسین توضیح داد، به خرجش نرفت که
نرفت و داروخانه را بدون الكل ترک کرد!

• یادداشت ۲ •

پیش‌خوان داروخانه ما دو قسمتی است. قسمت
اول بالا فاصله بعد از در ورودی است. بعد از آن یک
ستون وجود دارد و بعداً پیش‌خوان اصلی است. در
برابر پیش‌خوان اصلی دو سه نفری حضور داشتند.
یکی از این چند نفر به طرف پیش‌خوان اول رفت و
روی کاغذ چیزی یادداشت کرد و بعداً مرا صدا زد:
آقای دکتر، امکان دارد یک لحظه تشریف بیاورید؟
نسخه‌ای را که در دست داشتم، تمام کردم و به
طرف ایشان رفتم.

خانمی حدوداً چهل ساله بود و کاغذ یادداشت
را به آهستگی به طرف من گرفت و پرسید: از این
دارو دارید؟

ضمن این که به ایشان گفتم به این سایت‌ها نمی‌شود اعتماد کرد، برایش توضیح دادم که مومتاژون بدلیل این که کورتیکواسترویید است ساخت هر کارخانه‌ای باشد، قرمزی پوست را از بین می‌برد و ربطی به نوشتن و ننوشتن ندارد.

• یادداشت ۶ •

سه نفر با هم وارد داروخانه شدند و دو تا نسخه داشتند. دو نفر خانم بودند و هر یک نسخه‌ای را به دست تکنیسیین داروخانه دادند. آقایی هم که همراه آن‌ها بود، روی صندلی نشست و منتظر ماند. کارشان که تمام شد و وقت حساب و کتاب رسید، خانمی جلوی دستگاه کارت خوان آمد و وقتی از او شماره رمزش را خواستم، با صدای بلند رمز را گفت: البته، شماره رمزش روند نبود و اتفاقاً پول به اندازه کافی هم نداشت و مجبور شد کارت دیگری را ارایه بدهد.

کارت دوم را که کشیدم رمز را از ایشان سؤال کردم. این بار به آهستگی هرچه تمام‌تر شماره رمز را گفت که من هم که نزدیک بودم خیلی متوجه نشدم و دوباره سؤال کردم. شماره این یکی روند بود و چهار عدد یکسان بود.

حالا چرا این شماره روند را طوری آهسته گفت که دو نفر دیگر که همراهش بودند متوجه نشوند را متوجه نشدم!

که از یک کارخانه تولیدی باشد.

البته، این مسأله در مورد تعداد اندکی از داروها صادق است و قابل تعمیم به همه داروها نیست. امروز بعضی از داروها بیش از بیست کارخانه تولیدی دارند و تهییه داروهای تولیدی همه آن‌ها برای داروخانه مقدور نیست. مریضی آمد و جعبه آنرواستانیں یک کارخانه نسبتاً کم مصرف را نشان داد و گفت: آقای دکتر خود این دارو را می‌خواهم. هرچه برایش توضیح دادم که این دارو نیاز به این ندارد که همیشه از تولیدی یک کارخانه خاصی مصرف کنید، قبول نکرد و دست خالی رفت.

• یادداشت ۵ •

جلوی پیش خوان داروخانه که ایستاد، رو به من کرد و گفت: آقای دکتر، پماد مومتاژون کارخانه‌های مختلف فرق دارند؟

من هم پاسخ دادم که فرقی ندارند و فرمولاسیون همه آن‌ها یکی است. مراجعه‌کننده چنین ادامه داد: در خواص پماد مومتاژون یکی از کارخانه‌ها نوشته قرمزی را از بین می‌برد. در مومتاژون کارخانه دیگر چنین مطلبی را عنوان نکرده است.

سؤال کردم که اطلاعات شما از چه منبعی است؟ ایشان هم گفت: از روی سایت چنین مطلبی را خوانده‌ام.